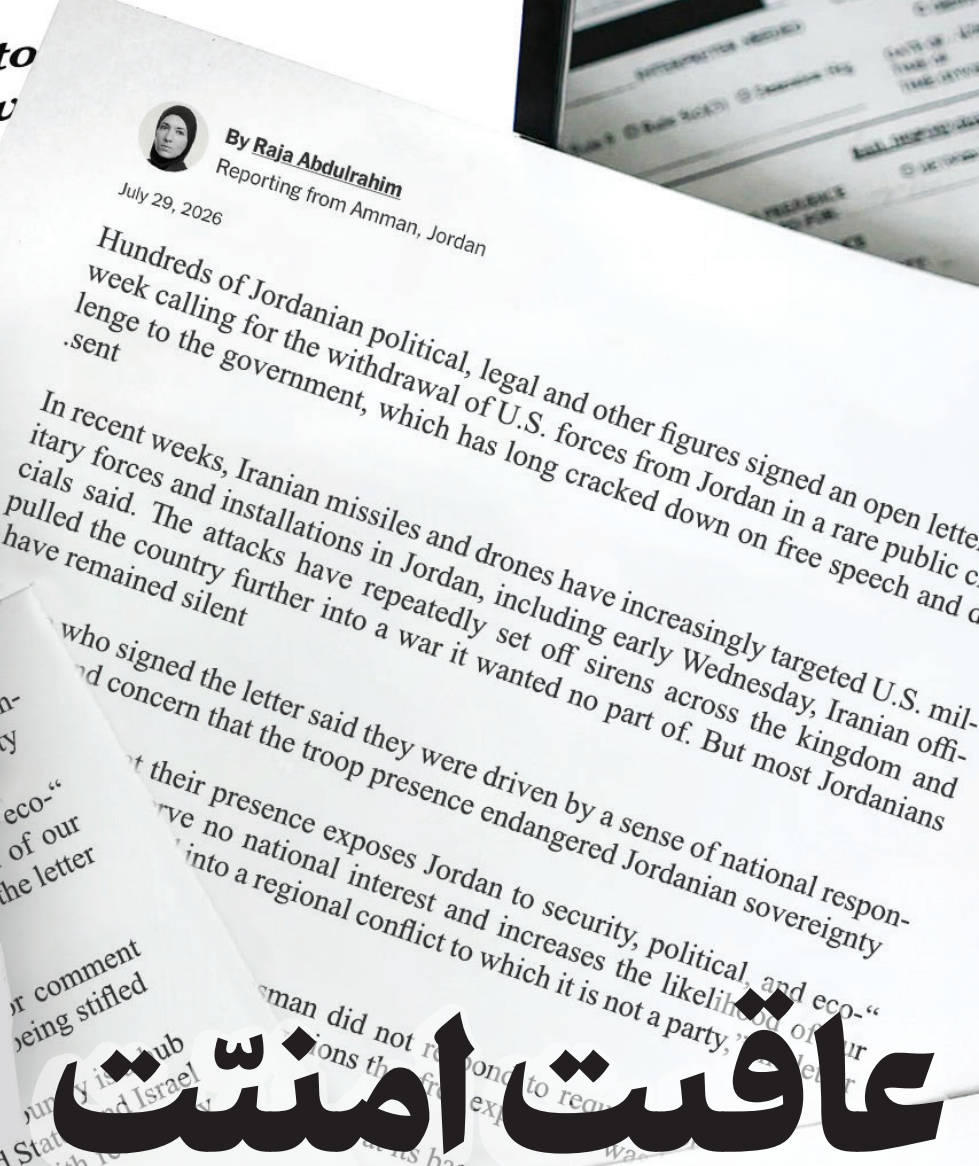




سرمقاله



War in the Middle East
LIVE Updates 4m ago
Jordanians' Rare Challenge to U.S. Leaders: Tell the U.S. to Leave
 Hundreds of political, legal and other figures signed an open letter warning that Jordan's close alliance with the U.S. has long cracked down on free speech and dissent.



By Raja Abdulrahim
 Reporting from Amman, Jordan
 July 29, 2026
Hundreds of Jordanian political, legal and other figures signed an open letter, week calling for the withdrawal of U.S. forces from Jordan in a rare public challenge to the government, which has long cracked down on free speech and dissent.
 In recent weeks, Iranian missiles and drones have increasingly targeted U.S. military forces and installations in Jordan, including early Wednesday, Iranian officials said. The attacks have repeatedly set off sirens across the kingdom and pulled the country further into a war it wanted no part of. But most Jordanians have remained silent.
 The letter said they were driven by a sense of national responsibility and concern that the troop presence endangered Jordanian sovereignty. It also exposed Jordan to security, political, and economic risks, and said the U.S. presence in the region was a threat to regional stability.

عاقبت امنیت اجاره ای این است!

تغییر نگاه افکار عمومی جهان عرب به حضور پایگاه های آمریکا در منطقه

به بهانه نامه سرگشاده صد هاتن از شخصیت های سیاسی، حقوقی و عمومی اردن که در آن خواستار خروج نیروهای آمریکایی از این کشور شده اند.

فاصله میان روایت رسمی دولت ها و برداشت افکار عمومی است؛ شکافی که در صورت تداوم تنش های منطقه ای می تواند عمیق تر شود. اگر در گذشته حضور پایگاه های آمریکایی با وعده ایجاد امنیت توجیه می شد، جنگ اخیر این پرسش را پیش روی افکار عمومی منطقه قرار داده است که امنیت برای چه کسی و به چه قیمتی؟ وقتی کشوری به دلیل وجود یک پایگاه خارجی به هدف حملات متقابل تبدیل می شود، مفهوم بازدارندگی نیز دچار دگرگونی می شود. آنچه زمانی «چتر امنیت» نامیده می شد، اکنون از نگاه جامعه عرب، به عاملی برای انتقال پیامدهای جنگ به داخل مرزهای ملی تبدیل شده است. یکی از مهم ترین پیامدهای راهبردی جنگ اخیر، تغییر در ادراک امنیتی ملت های منطقه نسبت به مفهوم امنیت اجاره ای و عاریه ای است. اگر این روند ادامه یابد، دولت های عربی ناگزیر خواهند بود بیش از گذشته به این پرسش پاسخ دهند که آیا میزبانی از پایگاه های خارجی همچنان ضامن امنیت ملی است، یا آنکه این پایگاه ها به تدریج از نماد بازدارندگی به نماد آسیب پذیری تبدیل شده اند؛ پرستی که پاسخ به آن می تواند آینده معماری امنیتی غرب آسیا را بیش از هر زمان دیگری تحت تأثیر قرار دهد. این یکی از ثمرات و نتایج اقتدار منطقه ای ایران در جنگ اخیر است که این گزاره را اثبات کرده که یکی از مهم ترین عوامل نامفی و بی ثباتی منطقه ای، حضور پایگاه های آمریکایی در کشورهای منطقه است.

بزرگ همواره تلاش کرده اند جنگ را در سرزمین دیگران مدیریت کنند؛ هواپیماها از پایگاه های دور دست به پرواز درآیند، عملیات از خاک متحدان انجام شود و در عین حال، شهرهای خودشان از آتش جنگ دور بماند. اما پیشرفت فناوری موشکی، پهبادی و اطلاعاتی، این معادله را دگرگون کرده است. امروز هر پایگاهی که به مرکز فرماندهی، رادار، انبار تسلیحات یا محل پرواز جنگنده ها تبدیل شود، به همان اندازه نیز در معرض تبدیل شدن به یک هدف نظامی قرار می گیرد. در چنین شرایطی، کشور میزبان دیگر صرفاً میزبان نیست، بلکه ناخواسته به بخشی از زنجیره عملیاتی جنگ تبدیل می شود و به همان نسبت نیز هزینه های آن را متحمل خواهد شد. این همان تغییری است که امروز در بخشی از افکار عمومی عرب مشاهده می شود. اعتراض ها متوجه این پرسش است که آیا کشورهای عربی باید هزینه جنگ هایی را بپردازند که تصمیم گیری درباره آن ها در جای دیگری انجام می شود؟ آیا منافع ملی این کشورها اقتضا می کند سرزمینشان به سکوی عملیات نظامی قدرت های خارجی تبدیل شود، در حالی که شهروندان آن ها نخستین کسانی هستند که پیامدهای امنیتی و اقتصادی چنین تصمیمی را تحمل می کنند؟ هر چند بسیاری از دولت های عربی از جنگ اخیر درس نگرفته و همچنان حضور نظامی آمریکا را بخشی از راهبرد بازدارندگی خود می دانند و همکاری های امنیتی با واشنگتن ادامه دارد، با این حال، آنچه تغییر کرده، افزایش

در آغاز آن نداشته است. اهمیت این نامه در این واقعیت نهفته است که در فضای سیاسی محدود اردن، انتشار چنین بیانیه ای اقدامی کم سابقه و پرهزینه محسوب می شود. اعتراض های شکل گرفته در اردن، بازتاب یک تغییر مهم در ادراک امنیتی افکار عمومی منطقه است؛ تغییری که ریشه آن را باید در تحولات میدانی جنگ اخیر جست و جو کرد. در جریان جنگ چهل روزه و تحولات ماه های اخیر، آمریکا از شبکه گسترده پایگاه ها و تأسیسات خود در منطقه برای پشتیبانی از عملیات نظامی، لجستیکی و اطلاعاتی استفاده کرد. در مقابل، ایران نیز به صراحت اعلام کرد هر نقطه ای که از آن علیه خاک ایران عملیات نظامی انجام شود، بخشی از میدان نبرد تلقی خواهد شد. این موضع صرفاً در حد یک هشدار باقی نماند و تهران در چند مرحله، پایگاه ها و تأسیسات مرتبط با نیروهای آمریکایی در منطقه را هدف حملات موشکی و پهبادی قرار داد. همین تحول، یکی از پایه های اصلی روایت امنیتی آمریکا را زیر سؤال برد. اگر تا دیروز گفته می شد حضور پایگاه های آمریکایی مانع ناامن شدن کشورهای میزبان است، اکنون بسیاری در منطقه این پرسش را مطرح می کنند که آیا همین پایگاه ها خود به مهم ترین عامل انتقال جنگ به خاک کشورهای عربی تبدیل نشده اند؟ واقعیت آن است که منطق سنتی استقرار پایگاه های خارجی بر یک اصل استوار بود؛ انتقال هزینه های جنگ به خارج از مرزهای قدرت های بزرگ. قدرت های

یکی از مهم ترین بهانه ها و استدلال های حکام عرب در دهه های گذشته برای میزبانی از پایگاه های نظامی آمریکا، تأمین امنیت بوده است. این استدلال بر این فرض استوار است که حضور ارتش آمریکا در خاک کشورهای عربی، نه تنها ضامن بقای نظام های سیاسی و بازدارنده تهدیدهای خارجی است، بلکه هرگونه حمله به این کشورها را نیز پرهزینه و دفع خواهد کرد. در این چارچوب، پایگاه های آمریکایی به عنوان «چتر امنیتی» معرفی شده اند؛ چتری که قرار بوده ثبات را تضمین کند و کشورهای میزبان را از پیامدهای جنگ های منطقه ای دور نگه دارد. اما تحولات جنگ چهل روزه و پس از آن، این معادله را باطل کرد. برای نخستین بار، بخش قابل توجهی از افکار عمومی برخی کشورهای عربی این پرسش را مطرح می کنند که آیا حضور این پایگاه ها واقعاً امنیت ایجاد کرده یا برعکس، کشورهای میزبان را به بخشی از میدان نبرد تبدیل کرده است؟ نمداروشن این تغییر، اردن است. روزنامه نیویورک تایمز گزارش داده که صد هاتنفر از سیاستمداران، حقوقدانان، دانشگاهیان، افسران بازنیستسته و شخصیت های عمومی اردنی، با انتشار نامه ای سرگشاده، خواستار خروج نیروهای نظامی آمریکا از کشورشان شده اند. امضاکنندگان این نامه تصریح کرده اند که حضور نظامیان آمریکایی نه تنها منفعتی برای اردن ندارد، بلکه این کشور را در معرض تهدیدهای امنیتی، سیاسی و اقتصادی قرار داده و خطر کشیده شدن اردن به جنگی را افزایش داده که هیچ نقشی

جنگ منطقه ای	قاب	روایت بدرقه آقای شهید ایران
دوران بزن و دررو تمام شده است تحولات اخیر منطقه، نشان دهنده ی تغییر معادلات میدانی و افزایش هزینه هرگونه اقدام نظامی علیه ایران است. در همین چارچوب، سر لشکر علی عبداللهی، فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا، با اشاره به بیانات رهبر شهید انقلاب نوشت: «آن پیر، مراد و رهبر شهید فرموده بودند دوران بزن و دررو تمام شده است.» وی همچنین تصریح کرد: «(آمریکایی ها و مزدورانشان، امروز تا اعماق جان دریافتند که تابوت هایشان جزئی از تجهیزانشان در منطقه است.» هم زمان، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بیانیه شماره ۵۵ خود از پاسخ به حمله آمریکا به جزیره قشم خبر داد. در پی حمله هوایی به دو خانه مسکونی در قشم که به شهادت اعضای یک خانواده و مجروح شدن دو کودک انجامید، نیروی هوافضای سپاه با شلیک چند فروند موشک بالستیک، رمپ استقرار و سوله تعمیراتی جنگنده های اف-۳۵ در پایگاه هوایی الازرق را هدف قرار داد و سه فروند جنگنده را منهدم و به سه فروند دیگر خسارت سنگین وارد کرد. در این حمله همچنین چند افسر و کادر فنی و تعمیراتی دشمن نیز به هلاکت رسیدند. در پایان این بیانیه نیز تأکید شده است: «(منطقه ما جای ارتش کودک کش که اینگونه با قساوت خانواده های بی گناه را نیمه شب در خواب به خاک و خون می کشد، نیست. مبارزه ما و شما تا اخراج آخرین اشغالگر آمریکایی از سرزمین های اسلامی ادامه خواهد یافت.» سر لشکر عبداللهی پیش تر نیز درباره قواعد جدید میدان نبرد اعلام کرده بود: «(درازای به شهادت رساندن هریک از شهروندان سربلند ایران اسلامی، یک نیروی آمریکایی به درک واصل خواهد شد.»	پاسخ سرتیپ سیدمجید موسوی به نامه کودک ۹ ساله خرم آبادی که هزینه سفر اربعین خود را تبدیل به خوراکی کرده و آن را به زمندگان پای لانچر اهدا کرده بود؛ وقتی فهمیدم این خوراکی ها را با پول توجیبی خود خریده ای، دلم پر از احساس شد. با خودم گفتم: خوشا به حال پدر و مادری که چنین فرزند مهربان، باادب و باگذشتی دارند. این هدیه را با افتخار و عشق پذیرفتم و تا همیشه محبت تو را در قلمب به یادگار نگه خواهم داشت. کشور ما به کودکانی مثل تو افتخار می کند؛ کودکانی که با دل های بزرگشان امید را زنده نگه می دارند. گفتنی است پس از ارسال پاسخ سرتیپ موسوی، امکان سفر کودک خرم آبادی و خانواده اش به کربلا فراهم شد.	چای تلخ به یاد ندارم که خانه را مرتب کرده باشم برای آمدن مهمان، با چشمانی که از اشک تار است و قلبی که شکسته. هرچه را این چند روز برداشته ام، هر غباری که از خانه گرفته ام، انگار تکه ای از نبودنت را کنار گذاشته ام. نمی دانم چطور باید قندان را وسط سینی بگذارم، وقتی شیرینی هیچ چیز در کام نیست. قرار است بیایند. از بندر و شیراز. آدم هایی که سیاه پوشیده اند و آمده اند تا با هم، اندوهی به این بزرگی را تقسیم کنیم. آدم هایی که می خواهند روی شانه های نحیف شان داغ تو را بکشند و از جمکران تا حرم هروله کنند. دلم می خواست این خانه، همین طور درهم و مغموم بماند؛ با پرده های کشیده و فنجان های نشسته. انگار نظم دادن به این خانه، پذیرفتن نبودنت باشد. خانه اما مرتب شده و من مچاله شده ام در خودم تا مهمان ها برسند. چای را دم می کنم، اما می دانم تلخی اش از غم این روزها نیست؛ از جای خالی کسی است که دیگر پشت این دروازه قدم نمی گذارد. من میزبان اندوهی ام که قرار است از راه برسد، گوشه ی همین خانه بنشیند، چای تلخ را جرعه جرعه بنوشد و بگوید: «(صبر کن، صبر...)» و مگر آدمی چاره ای جز صبر دارد، سیدجان؟